

۱۷۲۵۳

۸۸۲۹۶



## جریان شناسی یهود و ریشه های صهیونیسم در قرآن

بخش دوم

علیرضا معاف

«اوس» و «خزرج» و «یهود مدینه» شرکت داشتند. حتی پیامبر (ع) با یهودیان خارج مدینه نیز پیمان دفاعی جداگانه ای منعقد ساخت. بر اساس این پیمان، یهود متعهد شدند که علیه مسلمانان اقدام خرابکارانه انجام ندهند و در صورت لزوم از مدینه و مسلمانان دفاع نمایند، و در مقابل، پیامبر (ع) متعهد شد که از حقوق آنان حفاظت نماید و با آنان مانند افراد یک ملت واحد رفتار شود. بدین وسیله، همگان مسئول حفظ و حراست حقوق یکدیگر گردیدند. همچنین پیامبر اکرم (ع) در یک دستورالعمل حکومتی به عمرو بن حزم که او را به یمن فرستاد تا مردم را به تعالیم اسلامی فراخواند، نوشت که نسبت به همه اقشار مردم یمن، حتی یهود و نصاری، دستورات اسلام را پیاده کند. در فقره ۲۱ این عهدنامه آمده است: «و انه من اسلم من یهودی او نصرانی اسلاماً خالصاً من نفسه و دان بدین الاسلام فانه من المومنین له مثل مالهم و علیه مثل ما علیهم؛ و من کان علی نصرانیه او یهودیه فانه لایرد عنهما؛ هر یهودی و یا نصرانی (مسیحی) که مسلمان شود و اسلام پاک و خالصی اظهار نماید، از جمله گروه مومنان و مسلمانان است، هر آنچه مسلمانان دارند شامل او نیز می شود و در نفع و ضرر با آنها شریک است و هر که در یهودیت یا نصرانیت خود باقی بماند هرگز مجبور به ترک دین خود نمی شود»

یک نفر یهودی چند دیناری از رسول خدا (ص) طلب داشت و مطالبه کرد. حضرت فرمود: الان ندارم. یهودی گفت: نمی گذارم از این مکان حرکت کنی و حضرت را نگاه داشت. ظهر شد و حضرت نماز ظهر را کنار

بسیاری از خصوصاتی که قرآن در ارتباط با یهودیان صدر اسلام بیان می کند در تحلیل رفتارهای صهیونیستهای غاصب فلسطین نیز قابل استناد است و با کمی توجه می توان شباهت رفتاری یهودیان از زمان حضرت موسی تا امروز را دسته بندی کرد. در بخش دوم این نوشتار، برخی اعمال و عکس العملهای یهود در برابر رسول گرامی اسلام و در مقابل رفتار پیامبر اکرم (صلوات الله علیه) با یهودیان مدینه را بر اساس آیات قرآن مرور خواهیم کرد. خواننده به خوبی می تواند اعمال و عکس العملهای صهیونیستها را در قبال اسلام ناب محمدی و حکومت جمهوری اسلامی شبیه سازی کند.

### رفتار پیامبر اکرم (صلوات الله علیه) با یهودیان مدینه

قوم یهود در ابتدا در کنار یکدیگر زندگی می کردند، اما بر اثر عوامل گوناگون از جمله اختلاف ها و خیانت ها، این یکپارچگی از بین رفت. عده زیادی سرزمین اصلی خود را ترک کردند و برخی از آنان به سرزمین یثرب مهاجرت نمودند. علت انتخاب مدینه هم این بود که آنان از قبل در کتابهایشان خبر آمدن پیامبر خاتم در این سرزمین را شنیده بودند. آنان در این شهر و اطراف آن به ساختن ساختمان ها و قلعه های محکم اقدام نمودند و در آنجا مسکن گزیدند. قبایل معروف یهود عبارت بودند از: «بنی قریظه»، «بنی قینقاع» و «بنی نضیر». این قبایل برای حفظ موجودیت خود، با قبایل عرب، پیمان عدم تعرض بسته و با دادن باج ها، مالیات ها و هدایا رضایت خاطر آنان را جلب می نمودند. پیامبر اکرم (ع) پس از مهاجرت به مدینه، برای برقراری امنیت و آرامش، پیمان دفاعی مشترکی منعقد ساخت که در آن



اسلامی را نداشتند، از گفت و گو و جدال احسن برای پیشبرد اهداف مقدسش سود می جست. اما گسترش روزافزون اسلام، موجب شد که این همکاری و همراهی یهود با مسلمانان ادامه نیابد و به روش های مختلف در تضعیف روحیه مسلمانان کوشش نمایند؛

### دشمنی و جنگ افروزی یهود

«لتجدن اشدالناس عداوه للذین ءامنوا الیهود والذین اشركوا» به طور مسلم، دشمن ترین مردم نسبت به مؤمنان را یهود و مشرکان خواهی یافت. (مائده - ۸۲)

در این آیه، ذکر یهود قبل از مشرکین، شاید به شدت دشمنی و افروزی کینه توزی یهود بر مشرکین اشاره داشته باشد؛ چنانچه در عمل هم اثبات شد و توطئه های مختلف و آسیب هایی که یهودیان متوجه پیامبر و مسلمانان کردند به مراتب بیشتر از آزار و اذیت مشرکان بود.

لَتَبْلُوُنَّ فِیْ اَمْوَالِكُمْ وَ اَنْفُسِكُمْ وَ لَتَسْمَعُنَّ مِنْ اَلَّذِیْنَ اَوْتُوا الْکِتَابَ مِنْ قَبْلِکُمْ وَ مِنْ اَلَّذِیْنَ اَشْرکُوا اَذٰی کَثِیْرًا وَ اِنْ تَصْبِرُوْا وَ تَتَّقُوا فَاِنَّ ذٰلِکَ مِنْ عَزْمِ الْاُمُوْرِ (آل عمران / ۱۰۰)

به یقین [همه شما] در اموال و جان های خود آزمایش می شوید و از کسانی که پیش از شما به آنها کتاب [اسمانی] داده شده [= یهود] و [همچنین] از مشرکان، سخنان آزاردهنده فراوان خواهید شنید و اگر استقامت کنید و تقوا پیشه سازید [شایسته تر است، زیرا] این از کارهای مهم و قابل اطمینان است.

این آیه هم، جهت گیری واحد و جبهه مشترک مشرکین و یهود علیه مسلمانان را مطرح می کند و با اینکه از نظر زمانی، آزار یهود بعد از مشرکین (و مربوط به بعد از هجرت و استقرار مسلمانان در مدینه) بود، اما اینجا هم یهود قبل از مشرکین ذکر شده، زیرا اذیت و آزار آنها شدیدتر و برای مسلمانان دشوارتر و در عین حال غیرمنتظرانه تر بود.

یهود هر زمانی دشمنی خود را به گونه ای عملی کرده است: گاهی با تحریف دین، گاهی با استهزای احکام دینی و مسلمانان، گاهی با زخم زبان زدن، گاهی با خیانت به پیمان ها و قراردادهای، گاهی با تهاجم فرهنگی، گاهی با دامن زدن به اختلافات داخلی مسلمانان، گاهی با جاسوسی و وحدت با مشرکین، گاهی با ایجاد مشکلات اقتصادی و اجتماعی، گاهی با تهاجم و حمله های نظامی و ... که آیات و روایات و شواهد تاریخی فراوانی این توطئه ها را افشا می کند. امروزه هم همه این دشمنی ها از کانون صهیونیسم و یهودیت اسرائیل غاصب مشاهده می شود.

در اینجا به چند نمونه از فعالیت های تحریک آمیز و دشمنی های یهود اشاره می شود:

### ۱) محاصره اقتصادی

گروهی از یهودیان برای منصرف کردن مسلمانان از آیین خود اقدام به کار جدیدی نمودند. آنها با خود داری از پرداخت هر گونه دین یا امانت و با انجام معاملاتی که بر ذمه آنها بود برای افرادی که به دین مقدس اسلام مشرف می شدند مشکل اقتصادی ایجاد میکردند و به آنها می گفتند: حقوقی که شما بر ما داشتید پیش از اسلام بود و اکنون که مسلمان شده اید این حقوق منتفی و باطل گردیده است. قرآن در این باره می فرماید: «و من اهل الکتاب من ان

کوچه خواندند. عصر شد، مغرب و عشا شد، نمازشان را خواندند تا صبح روز دیگر حضرت را نگاه داشت و نماز صبح را نیز در کنار کوچه خواندند. مسلمانان عصبانی شدند و با نگاهی تند یهودی را تهدید و زمزمه می کردند: «یحسبک یهودی» آیا یک یهودی تو را حبس و بازداشت کرده است؟! پیامبر آنان را از این برخورد بازداشت و فرمود: حق با یهودی است. به هر حال یهودی صبح مسلمان شد و گفت: من از تورات درباره حلم تو مطالبی یافته بودم که امتحان کردم، درست درآمد و تو همان پیامبر موعودی

یهودیان علاوه بر اینکه، در تجارت، داد و ستد و فعالیت های اجتماعی آزاد بودند، در مراسم عبادی و فعالیت های مذهبی آزادی کامل داشتند. پیامبر اکرم (ع) دعوت اسلامی و پیام الهی را به همه و از جمله یهودیان ابلاغ می نمود ولی هیچ گاه آنان به ترک دین و عقاید خود مجبور نبودند. اما گسترش اسلام در میان انصار و قبایل اطراف، حسادت یهود و برخی از منافقان را بر ضد پیامبر (ع) برانگیخت؛ زیرا آنان هرگز فکر نمی کردند که کار پیامبر (ع) تا این حد بالا بگیرد و تمام قدرت های محلی را تحت الشعاع قرار دهد. عبدالله بن سلام از دانشمندان یهود، پس از مذاکره با پیامبر (ع) به آیین اسلام گروید و خبر اسلام آوردن او موجی از خشم در طوایف یهود پدید آورد. پس از مدتی مخیربیک یکی از دانشمندان یهود، به جمع مسلمانان پیوست و حتی پیامبر (ع) را وصی و صاحب اختیار اموال خود قرار داد.

یهود به علل گوناگونی در ابتدا به پیامبر (ع) و مسلمانان روی خود نشان دادند و در پیمان دفاعی مدینه شرکت جستند. آنان می خواستند از تشکیلات مسلمانان به نفع خود، و در مقابل رقابتی که همواره در هراس بودند، سود جویند. از پیامبران یهود در قرآن به نیکی و خوبی یاد شده بود. نیز، در ابتدا «بیت المقدس» قبله اول مسلمانان بود. همچنین مدارس و دیگر مکان های متعلق به یهودیان مورد احترام پیامبر (ع) و مسلمانان بود. یهودیان آزادانه در این مدارس به فعالیت های تبلیغی و دینی خود مشغول بودند و مسلمانان متعرض آنان نمی شدند و حتی پیامبر اکرم (ع) در مدارس یهود حاضر می شد و با استفاده از استدلال و منطق روشن، با علمای یهود به گفت و گو می نشست. خانه هایی که آیین یهود در آنجا تدریس شد، و کودکان و جوانان در آنجا درس دینی فرا می گرفتند، «بیت المدارس» یا «بیت الدراس» می نامیدند. روزی پیامبر (ع) به یکی از این مدارس وارد شد و همه کسانی را که در آنجا بودند به آیین خود دعوت کرد. دو نفر از بزرگان یهود به نام های نعمان و حارث گفتند: بر چه آیینی دعوت می کنی؟ فرمود: روش ابراهیم و آیین او. آنان گفتند: آیین ما اصیل تر از آیین توست؛ زیرا ابراهیم خود یهودی بود. پیامبر (ع) فرمود: تورات را بیاورید تا در این موضوع میان من و شما، داوری کند. آنان از آوردن تورات خودداری کردند و وحی الهی (آل عمران: ۲۳) در سرزنش این عده نازل شد. «الم تر الی الذین اوتوا نصیباً من الکتاب یدعون الی کتاب الله لیحکم بینهم ثم یتولّی فریق منهم و هم معرضون» نیز، در وقت ورود پیامبر (ع) به یکی از این مدارس یهودی، گروهی از دانشمندان مسیحی نجران در آنجا حضور داشتند. در این میان، جدال تاریخی میان علمای یهود و مسیحی در گرفت و هر دو گروه کوشش می کردند که ابراهیم را از پیروان آیین خود بدانند، اما خدای متعال در این باره فرمود: «ماکان ابراهیم یهودیاً و لا نصرانیاً و لکن کان حنیفاً مسلماً و ما کان من المشرکین (آل عمران: ۶۷) ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی، بلکه موحدی خالص و مسلمان (تسلیم حق) بود؛ و هرگز از مشرکان نبود.» این موارد و نمونه های شبیه به آن به خوبی نشان می دهد که پیامبر (ع) در سیره عملی اش نسبت به پیروان مذاهبی که قصد توطئه و براندازی حکومت

منطقی [بقره / ۷۶ و ۷۷]، تحریف واقعیات [نساء / ۴۶]، نفاق و دورویی [مائده / ۶۱]، جدال و مجادله در آیات الهی [مؤمن / ۵۶] و ...

در قرآن کریم می خوانیم: «وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّوكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كَفَارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْتَدُوا وَاصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» «بسیاری از اهل کتاب از روی حسد - که در وجود آنها ریشه دوانده - آرزو می کردند شما را پس از اسلام و ایمان با این که حق برای آنها کاملاً روشن شده است، از دینتان برگردانند. شما آنها را عفو کنید و گذشت نمائید تا خداوند خود(فرمان جهاد) بفرستد. خداوند بر هر چیزی تواناست.» (بقره: ۱۰۹)

در واقع بسیاری از اهل کتاب به ویژه یهود تنها به این قناعت نمی کردند که خود آیین اسلام را نپذیرند بلکه اصرار داشتند مؤمنان نیز از ایمانشان باز گردند و انگیزه آنها در این کار چیزی جز حسد نبود. بنابراین دستور مزبور یک دستور مبارزاتی است که به مسلمانان داده شده تا در برابر فشار شدید دشمن در آن شرایط خاص، از سلاح(عفو و گذشت) استفاده کنند و به ساختن خویشتن و جامعه اسلامی بپردازند و در انتظار فرمان خدا باشند. این فرمان الهی به مسلمانان هشدار می داد که مبادا بازی بخورند و بر اساس شرایط، واکنش نشان دهند.

### ۳- ایجاد اختلاف و فتنه انگیزی

به دلیل آنکه طرح شبهات و سوالات پیچیده، نه تنها عقیده مسلمانان را نسبت به پیامبر خود تحکیم می نمود، بلکه سبب می شد که مقام علمی و اطلاعات غیبی وی بر همگان روشن و آشکار گردد و در سایه همین بحث ها، دسته های مختلفی از بت پرستان و یهود به اسلام گرویدند، از این رو، به اختلاف میان قبایل عرب مسلمان دامن می زدند. روزی قبایل «اوس» و «خزرج» در نقطه ای گرد آمده بودند. وحدت و یگانگی این دو گروه که مدت یکصد و بیست سال دشمن خون آشام یکدیگر بودند، یکی از یهودیان را سخت متاثر کرد. فوراً به یک جوان یهودی که در آن میان بود اشاره کرد که خاطرات تلخ جنگ های گذشته را که میان دو قبیله وجود داشت، به یاد آنان بیاورد. آن جوان چنین کرد. نزاع و تفاخر میان دو دسته مسلمان اوس و خزرج آغاز گردید. نزدیک بود که آتش جنگ میان آنان شعله ور شود که خبر به پیامبر (ع) رسید و از نقشه شوم مخالفان آگاه گردید. آن حضرت فوراً با گروهی از یاران خود پیش آنها آمد و هدف اسلام و برنامه عالی خود را متذکر شد و فرمود: اسلام شما را با یکدیگر برادر نمود. باید تمام کینه ها و خشم ها را به دست فراموشی سپارید. آنگاه به قدری آنها را پند و اندرز داد و از سرانجام بد اختلاف آگاهشان ساخت که یک مرتبه ناله و صدای آنها به گریه بلند شد و برای تحکیم مبانی برادری، همدیگر را در آغوش گرفتند و از درگاه خدا طلب آموزش نمودند.

بعد از این ماجرا چهار آیه ۹۸-۱۰۱ از سوره آل عمران نازل شد. در دو آیه نخست، یهودیان اغوا کننده را نکوهش می کند و در دو آیه بعد به مسلمانان هشدار می دهد: «قل یا اهل الکتاب لم تکفرون بآیات الله والله شهید علی ما تعملون قل یا اهل الکتاب لم تصدون عن سبیل الله من امن تبغونها عوجاً و انتم شهداء وما الله بغافل عما تعملون یا ایها الذین آمنوا ان تطیعوا فریقاً من الذین اوتوا الکتاب یردوکم بعد ایمانکم کافرین و کیف تکفرون و انتم تتلی علیکم آیات الله و فیکم رسوله و من یرتد عن الله فقد هدی الی صراط مستقیم» «بگو ای اهل کتاب، چرا به آیات خدا کفر می ورزید؟! و خدا گواه

تأمنه بقتلار یؤده الیک و منهم من ان تأمنه بدینار لا یؤده الیک آنا ما دمت علیه قائماً ذلک بانهم قالوا لیس علینا فی الامیین سبیل و یقولون علی الله الکذب و هم یعلمون» «و در میان اهل کتاب (از نصارا) کسانی هستند که اگر ثروت زیادی به رسم امانت به آنها بسپاری، به تو باز میگردانند و برخی دیگر از اهل کتاب (از یهود) کسانی هستند که اگر یک دینار هم به آنها بسپاری، به تو باز نمی گردانند، مگر تا زمانی که بالای سر آنها ایستاده (و بر آنها مسلط) باشی.

این بدان روست که می گویند: ما در برابر امیین (غیر یهود)، مسئول نیستیم. و بر خدا دروغ می بندند، در حالی که می دانند (این سخن دروغ است). (آل عمران: ۷۵) گروهی از مردمان عصر جاهلیت پیش از اسلام، کالایی را به یهودیان فروختند و پس از فروش کالا، مسلمان شدند. هنگامی که پول کالا را از آنان مطالبه نمودند، یهودیان گفتند: نزد ما امانت و دینی نسبت به شما نیست، زیرا شما آیینی که بر آن بودید، ترک کردید. آنها حتی ادعا کردند که این دستور در کتابشان آمده است و می گفتند: «ما اهل کتاب هستیم و پیامبر و کتاب آسمانی در میان ما بوده است. بنابراین، اموال دیگران برای ما احترامی ندارد.» این مطلب به قدری نزد آنان مسلم بود که جنبه اعتقادی و مذهبی به خود گرفته بود.

در کتاب مقدس تحریف شده یهود می خوانیم: «ما در تصرف و غصب اموال عرب مجاز و مأذون هستیم، زیرا آنان مشرکند و پیروی از مرام موسی ندارند»

### ۲- تضعیف عقیده

حسن سلوک پیامبر اکرم (ع) سبب شد که روز به روز تعداد مسلمانان افزوده گردد. این پیشرفت موجب اضطراب علما و محافل مذهبی یهود گشت. از این رو، با پیش کشیدن سوالات پیچیده مذهبی، می خواستند عقیده مسلمانان را نسبت به پیامبر (ع) متزلزل سازند.

دشمنان اسلام، به خصوص یهود، برای دور ساختن مسلمانان از اسلام ناب از هیچ کوششی فروگذار نکردند؛ حتی درباره یاران نزدیک پیامبر (ص) نیز چنین طمعی داشتند که بتوانند آنها را از اسلام باز گردانند و مسلماً اگر می توانستند در یک یا چند نفر از یاران نزدیک پیامبر اکرم (ص) نفوذ کنند ضربه بزرگی بر اسلام وارد می شد و برای تزلزل دیگران نیز زمینه کاملاً مساعدی فراهم می گردید. بعضی از مفسران نقل کرده اند: جمعی از یهود کوشش داشتند افراد سرشناس و مبارزی از مسلمانان پاک دل چون معاذ و عمار و بعضی دیگر را به سوی آیین خود دعوت کنند و با وسوسه های شیطانی از اسلام باز گردانند. این آیه نازل شد و به همه مسلمانان در این زمینه اخطار کرد: «وَدَّ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضَلُّوكُمْ وَ مَا يُضِلُّوكُمْ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ وَ مَا يَشْعُرُونَ» «جمعی از اهل کتاب (از یهود) دوست داشتند شما را گمراه کنند. (اما آنها باید بدانند که نمی توانند شما را گمراه سازند) آنها گمراه نمی کنند مگر خودشان را و نمی فهمند.» (آل عمران: ۶۹)

یهودیان از ابزارها و راه های مختلفی برای تهاجم فرهنگی و گمراهی مسلمانان استفاده می کردند که برخی از آنها به شهادت قرآن چنین اند:

آمیختن باطل با حق، کتمان و پنهان کردن حق و هدایت، ایمان و کفر بعد از آن (بازی با دین مردم) (آل عمران / ۷۱ و ۷۲)، تلاش برای به دست گرفتن مدیریت ها و رهبری آل عمران / ۱۰۰، فتنه انگیزی و تلاش برای تأثیرگذاری بر تصمیمات رهبری آل عمران / ۴۹، جلوگیری از تعامل و ارتباط فرهنگی



خدا به شما بخشید به یاد آورید آن زمانی که جمعی (از دشمنان) قصد داشتند دست به سوی شما دراز کنند (و شما را از میان بردارند) اما خدا دست آنها را از شما بازداشت. از خدا بپرهیزید و مؤمنان باید بر خدا توکل کنند» آمده (۱۱ / این است که یهودیان بنی النضیر می‌خواستند پیامبر را به قبل برسانند و خدا آن را خنثی کرد. [مجمع البیان، ج ۳ و ۴، ص ۱۶۹] سران این قبیله قصد داشتند با افکندن سنگ بزرگی از بالا، به حیات پیامبر اکرم (ع) خاتمه دهند ولی آن حضرت از توطئه یهود آگاه گشت. پیامبر (ع) به اصحاب خود فرمان آماده باش داد و قلعه «بنی نضیر» را محاصره نمود. یهودیان آماده صلح و تسلیم شدند و پیامبر (ع) هم صلح آنان را پذیرفت، مشروط بر اینکه سلاح خود را تحویل دهند و اموال منقول خود را ببرند و آنها برای حمل در و پنجره، خانه های خود را ویران می کردند و سپس همگی به «خیبر» و از آنجا به شام کوچ کردند.

یهودیان «بنی قریظه» در جنگ «احزاب» بر خلاف پیمانی که با پیامبر اکرم (ع) بسته بودند، با اعراب مشرک و یهودیان خیبر همکاری نمودند و به دشمنان اسلام پیوستند. کعب رئیس قبیله «بنی قریظه» عهدنامه ای را که میان وی و پیامبر (ع) نوشته شده بود طلبید و در برابر همگان پاره کرد و گفت: کار پیمان پایان یافت، آماده جنگ و نبرد باشید. سپاهیان اسلام، پس از پایان جنگ احزاب، دژ بنی قریظه را به محاصره خود در آوردند. در نهایت، یهودیان داوری سعد معاذ را پذیرفتند. پیامبر اکرم (ع) مردان قبیله سوم را به حکم داوری که خود آنان تعیین کرده بودند، اعدام کرد و اموال آنان را مصادره نمود. یهودیان «بنی قریظه» بارها رفت پیامبر اکرم (ع) را تجربه کرده بودند، اما بردباری پیامبر (ع) حد و اندازه ای دارد و مصلحت اسلام و امت اسلامی را نمی توان دست خوش مسائل عاطفی نمود. شماری از محکومان به مرگ، با شفاعت کسانی که حرمتی ویژه داشتند از مرگ رهایی یافتند، هر چند شمارشان اندک بود.

است بر اعمالی که انجام می دهید. بگو ای اهل کتاب، چرا افرادی را که ایمان آورده اند از راه خدا باز می دارید و می خواهید این راه را کج سازید، در حالی که شما (به درستی این راه) گواه هستید؟! خدا از آنچه انجام می دهید، غافل نیست، ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر از گروهی از اهل کتاب (که کارشان نفاق افکنی و شعله ور ساختن آتش کینه و عداوت است) اطاعت کنید، شما را پس از ایمان، به کفر باز می گردانند و چگونه ممکن است شما کافر شوید، با اینکه آیات خدا بر شما خوانده می شود و پیامبر او در میان شماست؟! و هر کس به خدا تمسک جوید، به راهی راست هدایت شده است»

#### ۴- قیام مسلحانه و اقدام نظامی

کارشکنی یهود در آغاز و در دو سال نخست هجرت در حد مجادله، ایجاد شکست و تردید و احیاناً اهانت زبانی بود و پیامبر اکرم (ع) با بردباری و شکیبایی خاص خود، همه را تحمل می کرد. اما این جنگ سرد به قیام مسلحانه تبدیل گشت. در حومه یثرب سه قبیله بزرگ و قدرتمند یهودی که نبض اقتصادی آنجا را در دست داشتند، زندگی می کردند. هر کدام به نحوی در ضدیت و براندازی نظام نوپای اسلامی و نقض پیمان مشترکی که با مسلمانان داشتند، اقدام عملی نمودند.

أَوْلَکُمْ عَاهِدُوا غَیْهَذَا نَبَذَهُ فَرِیقٌ مِّنْهُمْ یَلُ أ کَثْرَهُمْ لَا یُؤْمِنُونَ (بقره / ۱۰۰) و آیا چنین نیست که هر بار آنها [= یهود] پیمانی (با خدا و پیامبر) بستند جمعی از ایشان آن را دور افکندند (و مخالفت کردند)؟! آری بیشتر آنان ایمان نمی آورند.

یکی از صفات زشت و اقدامات ناپسند بنی اسرائیل و یهود که با تاریخ پیوند خورده و گویا از لوازم ذاتی آنها گشته است، پیمان شکنی و بی‌اعتنایی به قراردادهای و حتی قسم‌هایی است که خود انشاکنده آن بوده‌اند. چه بنی اسرائیل زمان حضرت موسی (ع) و انبیای بعد از او و چه یهودیان زمان پیامبر اکرم (ص) بارها و بارها اقدام به پیمان شکنی کردند که قرآن به مواردی از آنها اشاره کرده.

یهود بنی نضیر و بنی قریظه در هنگام ورود پیامبر اکرم (ص) به مدینه با آن حضرت پیمان بستند که به دشمنان او کمک نکنند ولی در جریان جنگ خندق این پیمان را شکستند و با مشرکان مکه بر ضد مسلمانان همکاری کردند بنا بر نقل بسیاری از مفسرین، آیه محل بحث (آیه ۱۰۰ بقره) به همین پیمان اشاره دارد.

قبیله «بنی قینقاع» هم خون مسلمانی را در بازار یثرب ریختند. این فرد مسلمان به دفاع از زن مسلمانی برخاسته بود که مورد آزار و تمسخر جوانان یهودی قرار گرفته بود. پیامبر اکرم (ع) در مقابل این عملکرد یهودیان، و نیز به دلیل اصرار زیاد عبدالله بن ابی، از پیکار نظامی با آنان خودداری و در تنبیه یهودیان به حداقل اکتفا نمود. قرار شد که یهودیان «بنی قینقاع» با تحویل سلاح، سرزمین مدینه را ترک گویند. آنان نیز از مدینه به سرزمین «وادی القری» و از آنجا به سرزمین شام، کوچ کردند.

یهودیان، تنها پیامبر اکرم (ص) را تکذیب نکردند بلکه نسبت به آن حضرت سوء نیت داشته و برخی از آنها به دنبال فرصتی بودند تا مانند گذشتگان خود به ترور و قتل رسول خدا اقدام کنند، غافل از اینکه در این مرحله خدا به آنها فرصت نداده و دست آنها را در تعدی به حبیب خود باز نمی گذارد. یکی از شأن نزول‌های آیه شریفه: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید نعمتی را که

